



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The share of rural women in the ownership of productive resources of households with migrant

Maryam Ghasemi ^{1*}Atena Vatankhah noghani²

1. Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, University of Ferdowsi, Mashhad, Iran.

2. PhD student in geography and rural planning, , Faculty of Literature and Humanities, University of Ferdowsi, Mashhad, Iran

ARTICLE INFO	EXTENDED ABSTRACT
<p>History Article:</p> <p>Received:</p> <p>25 May 2024</p> <p>Revised:</p> <p>28 June 2024</p> <p>Accepted:</p> <p>6 August 2024</p> <p>Keywords:</p> <p><i>Individual migration of men, female villagers, asset management, ownership of production resources, Mashhad county</i></p>	<p>Introduction: It seems that the migration of men to the city and the stay of women in the village creates extensive changes in the management and ownership of rural household assets from a gender perspective.</p> <p>Objectives: The present study examines the share of women in migrant households in the ownership of assets and the management of the family's productive resources.</p> <p>Methodology: In this study, the analysis unit of 289 rural women headed by a migrant household was identified in 22 villages of Mashhad county by snowball method and participated in completing the research tool. The research method is descriptive-analytical and in terms of research conditions it is survey and cross-sectional.</p> <p>Results and Discussion: The results showed that 19.4 percent of women with migrant guardians had no official ownership of their household property. Only 5.5% of women owned houses, 1% owned agricultural land, and 6.2% owned family-style livestock. Also, none of the women have independently owned cars, motorcycles, gardens and heavy family livestock. 71.3 percent of the surveyed women have identified their most important asset as the jewelry they use. In total, 26.6 percent of rural women are in charge of managing household production resources and 40.1 percent of women are in charge of household affairs when their husbands are absent. The most emotional support for women with migrant household heads was mother and sister and female relatives such as women of close relatives and women of neighbors. Faced with financial problems, women with migrant guardians are mainly supported by their husbands and fathers. Also, the most important informational and visual supporters of women with immigrant guardians, respectively; They are wife, mother, father, sister, brother and child.</p> <p>Conclusion: The results showed that considering that the type of migration was 78% of daily men, the control and ownership of production resources and household assets in the surveyed villages is still with the men of the family, and migration has not been able to change the traditional pattern of ownership and property of productive resources of rural households. to do Sponsor.</p> <p>Highlight: It is important to determine the share of rural women in ownership of productive resources.</p>

Cite this article:

Maryam Ghasemi, Atena Vatankhah Noghani. (1403). the share of rural women in the ownership of productive resources of households headed by immigrants. Organization of Space Economy, 2(6), 105-87.

* Corresponding Author: Maryam Ghasemi
Email: magh30@um.ac.ir



نشریه ساماندهی اقتصاد فضا

<https://sanad.iau.ir/journal/jose>



مقاله علمی

سهم زنان روستایی در مالکیت منابع تولیدی خانوارهای دارای سرپرست مهاجر

مریم قاسمی^۱ آتنا خواه نوغانی^۲

۱. استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده	مشخصات مقاله
<p>بیان مسئله: به نظر می‌رسد که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا تغییرات گسترده‌ای در مدیریت و مالکیت دارایی‌های خانوار روستایی از منظر جنسیتی ایجاد می‌کند.</p> <p>هدف: مطالعه حاضر به بررسی سهم زنان خانوارهای مهاجر در مالکیت دارایی‌ها و مدیریت منابع تولیدی خانواده می‌پردازد.</p> <p>روش: در این مطالعه واحد تحلیل ۲۸۹ زن روستایی دارای سرپرست خانوار مهاجر بوده است که در ۲۲ روستای شهرستان مشهد به روش گلوله برفی شناسایی و در تکمیل ابزار پژوهش مشارکت نمودند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نظر شرایط پژوهش پیمایشی و مقطعی است.</p> <p>یافته‌ها و بحث: نتایج نشان داد ۱۹/۴ درصد زنان دارای سرپرست مهاجر هیچ مالکیتی به‌طور رسمی بر اموال و دارایی‌های خانوار خود نداشته‌اند. تنها ۵/۵ درصد زنان مالک مسکن، ۱ درصد مالک زمین زراعی، ۶/۲ درصد مالک دام سبک خانواده بوده‌اند. همچنین هیچ‌یک زنان به‌طور مستقل مالکیتی بر اتومبیل، موتورسیکلت، باغ و دام سنگین خانواده نداشته‌اند. ۷۱/۳ درصد زنان موردبررسی عمده‌ترین دارایی خود را طلاهای زینتی مورد استفاده خود معرفی نموده‌اند. در مجموع ۲۶/۶ درصد زنان روستایی اداره منابع تولیدی خانوار و ۴۰/۱ درصد زنان اداره امور منزل را در زمان غیبت مرد برعهده دارند. بیشترین حمایت عاطفی زنان دارای سرپرست خانوار مهاجر مادر و خواهر و نزدیکان مونث مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه بوده است. در مواجهه با مشکلات مالی، زنان دارای سرپرست مهاجر عمدتاً توسط همسر و پدر حمایت می‌شوند. همچنین مهم‌ترین حمایت‌کنندگان اطلاعاتی و مشورتی زنان دارای سرپرست مهاجر به ترتیب: همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می‌باشند.</p> <p>نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد با توجه به اینکه نوع مهاجرت ۷۸ درصد مردان روزانه بوده است، همچنان کنترل و مالکیت منابع تولید و دارایی‌های خانوار در روستاهای موردبررسی، با مردان خانواده است و مهاجرت نتوانسته تغییری در الگوی سنتی مالکیت و دارایی منابع تولیدی خانوار روستایی ایجاد نماید.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۶</p> <p>واژگان کلیدی: مهاجرت انفرادی مردان زنان روستایی، مدیریت دارایی، مالکیت منابع تولید، شهرستان مشهد</p>
<p>نکات برجسته: مشخص نمودن سهم زنان روستایی در مالکیت منابع تولیدی حایز اهمیت است.</p>	

ارجاع به این مقاله: مریم قاسمی، آتنا خواه نوغانی. (۱۴۰۳). سهم زنان روستایی در مالکیت منابع تولیدی خانوارهای دارای سرپرست مهاجر ساماندهی

اقتصاد فضا، ۲(۶)، ۱۰۵-۸۷

بیان مسئله

مهاجرت یکی از رایج‌ترین و مؤثرترین پدیده‌های اجتماعی است که می‌تواند در ساختار جمعیتی تغییر ایجاد کند و به تبع آن در بروز تحولات اقتصادی اجتماعی فضاهای مختلف جغرافیایی تأثیر بسزایی داشته باشد. "با رشد شهرنشینی و روند مدرنیزاسیون مهاجرت روستا به شهر بیش‌ازپیش در کشور گسترش یافت (Alirezanejad & Bani-Hashemi, 2012: 81)". به طوری که نگاهی اجمالی به آمار نفوس و مسکن اولین سال‌های سرشماری تاکنون، نشان می‌دهد مهاجرت از روستا به شهر در کشور همواره روندی افزایشی داشته و طی دهه‌های اخیر این نوع مهاجرت "جریان مسلط مهاجرت خالص در کشور بوده است. عموماً مهاجرین به خاطر اینکه فرصت‌های درآمدی و اشتغال در روستا ناکافی است، روستا را در جستجوی شغل و دستمزد ترک می‌کنند (Naqhdi & Rezaei, 2014: 106)". مهاجرت مردان روستایی در پی کسب شغل و درآمد بر اساس طول مدت مهاجرت می‌تواند به شکل دائمی یا مهاجرت موقتی باشد. در شکل دوم مهاجرت (مهاجرت فصلی/موقتی)، جابجایی برای دوره کوتاهی صورت می‌گیرد و قصد کوچنده این است که به اقامتگاه عادی خود برگردد. به این نوع مهاجرت و جابجایی مهاجرت‌های ادواری، رفت و برگشتی، آونگی، فصلی و ... نیز گویند (Effati, 2003: 264). "در مهاجرت فصلی که الگوی غالب مهاجرت‌های روستا شهری در شهرستان مشهد است، زنان روستایی در روستا مانده و مردان به صورت موقت مهاجرت می‌کنند. در چنین شرایطی با جمعیتی از زنان و دختران روستایی مواجه هستیم که به ناگزیر بار مسئولیت معیشت و گذران زندگی خانواده بر دوش آنان افتاده است. این گروه به عنوان ساکنین پایدار مناطق روستایی عموماً مسئولیت بهره‌برداری از امکانات و منابع موجود در روستاها را نیز به عهده دارند.

طی سال‌های اخیر موضوعات بحث برانگیزی پیرامون مناسبات جنسیتی در فضاهای روستایی مطرح و مورد مطالعه قرار گرفته است. اما پدیده مهاجرت با تحلیل جنسیتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. "باید توجه داشت که تحلیل جنسیتی خود به تنهایی می‌تواند فهم عمیق‌تری را از ساختار جنسیتی اجتماع در فضای روستایی ارائه دهد (khani & chubchian, 2012: 139)". بی شک غفلت از نقش‌های جنسیتی در سکونتگاه‌های روستایی در تحلیل پدیده‌ها یکی از دلایل عمده ناموفق بودن پروژه‌های روستایی است و "زنان و به‌ویژه زنان روستایی نیازمند توجهات ویژه از جانب محافل آکادمیک و نیز سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان توسعه" می‌باشند (Taleb & Firouzabadi & Piri, 2011: 136).

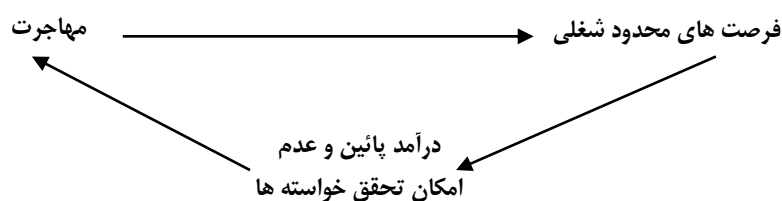
در حال حاضر بحث در مورد زنانه شدن اقتصاد روستایی به دلیل مهاجرت‌های روستا شهری که عمدتاً مرد گزین است، در بسیاری از نقاط دیگر جهان در حال توسعه در جریان است. پتانسیل زنان روستایی در توسعه را می‌توان با دسترسی آن‌ها به منابع تولید و قدرت تصمیم‌گیری و رفع موانع پیش روی، افزایش داد. زیرا زنان روستایی عوامل کلیدی توسعه هستند. آنها نقش کاتالیزوری را برای دستیابی به تغییرات اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تحول‌آفرین مورد نیاز برای توسعه پایدار ایفا می‌کنند (UNWOMEN, 2013). اما بر اساس مطالعات مختلف، عدم مالکیت زنان به منابع تولیدی (عمدتاً زمین) و عدم کنترل بر منابع تولیدی چالش بزرگی برای زنان روستایی است. زنان روستایی، از جمله آن‌هایی که در خانواده‌های مهاجر زندگی می‌کنند، در دسترسی و مالکیت منابع تولیدی، به‌ویژه زمین، با موانع مهمی روبرو هستند. طبق گزارش سازمان خواربار و کشاورزی (FAO)، زنان روستایی در بسیاری از نقاط جهان، به دلیل تفاوت‌های جنسیتی در دسترسی به منابع تولیدی کلیدی، دسترسی محدودی به زمین دارند، زیرا مردان در طول تاریخ، در سیستم‌های عرفی مالکیت زمین، سرپرستی مالکیت زمین را بر عهده گرفته‌اند و زنان را از طریق مردان سرپرست خانوار با دسترسی محدودی به زمین باقی می‌گذارند (Shiri, 2021). فائو تخمین می‌زند که اگر کشاورزان زن (۴۳ درصد نیروی کار کشاورزی در کشورهای در حال توسعه) به اندازه مردان به منابع تولید دسترسی داشته باشند، تولید کشاورزی در ۳۴ کشور در حال توسعه به‌طور متوسط تا ۴ درصد افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند تعداد افراد کم‌تغذیه را در این کشورها تا ۱۷ درصد کاهش دهد که به معنای کاهش ۱۵۰ میلیون نفری جمعیت گرسنه است (UNWOMEN, 2013).

به‌طور کلی عدم دسترسی زنان به منابع تولید از جمله زمین، علی‌رغم نقش مهمی که در فعالیت‌های کشاورزی دارند، پیامدهای مهمی برای زنان روستایی دارد، زیرا مالکیت منابع تولیدی مانند زمین منبع اصلی درآمد، قدرت و امنیت اجتماعی است. زنانی که از حقوق مالکیت قوی‌تری در زمین برخوردارند، بیشتر به‌طور غیرمستقیم روی زمین‌های خودکار می‌کنند و از نیروی کار اجاره‌ای، کار خانوادگی و اجاره برای کسب درآمد استفاده می‌کنند و کمتر در سنین پیری یا در صورت فوت یا طلاق آسیب‌پذیر می‌شوند. علاوه بر این، زنانی که حقوق مالکیت قوی‌تری در زمین دارند، با کنترل بیشتر بر درآمد کشاورزی، سهم بیشتری از کسب‌وکار و درآمدهای

بازار کار و دریافت مکرر اعتبار، احتمال بیشتری برای مشارکت در اقتصاد خانوار دارند. در حال حاضر زنان روستایی یک‌چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، آنها به‌عنوان نیروی کار ارتباط نزدیکی با شیوه‌های مختلف کشاورزی دارند و بیشتر کارهای مراقبتی بدون دستمزد را در مناطق روستایی انجام می‌دهند (Behera et al., 2022). کشاورزان زن با تبعیض چند سطحی روبرو هستند، زنان روستایی یک نفر از هر چهار نفر روی زمین و به‌طور متوسط تقریباً نیمی از نیروی کار کشاورزی در کشورهای درحال توسعه را تشکیل می‌دهند. زنان نقش‌های حیاتی در امنیت غذایی ایفا می‌کنند که شامل کشاورزی، فرآوری مواد غذایی، بازاریابی و اطمینان از مصرف و تغذیه خانگی است (Cohen, 2023). با این اوصاف: تعداد زیادی از آنها از دسترسی به منابع تولیدی از جمله زمین محروم هستند. در روستاهای مهاجرپرست اگرچه مسئولیت‌های زیادی به زنان روستایی واگذار شده است، اما زنان و دختران روستایی سهم بسیار اندکی در دارایی‌های خانوار خود دارند. بر این اساس سؤال اصلی تحقیق به این صورت مطرح می‌گردد که مدیریت منابع و دارایی‌های خانواده در غیاب مردان سرپرست خانوار بر عهده چه کسی است و سهم زنان چقدر از دارایی‌های خانوار است؟ همچنین با توجه به اینکه زنان خانوارهای مهاجر در غیاب همسر هرچند موقت، با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند، برای برطرف کردن این مشکلات نه‌تنها نیازمند حمایت سایر اعضای خانواده خود و همسر هستند، بلکه اغلب نیازمند شبکه‌ای وسیع از دوستان و همسایگان و ... می‌شوند (Effati, 2003: 254). بنابراین سؤال دوم تحقیق بدین صورت مطرح می‌گردد که شعاع حمایت زنان جامانده در روستا چه کسانی هستند؟

مبانی نظری

به‌طور کلی "مهاجرت‌های داخلی ایران تحت تأثیر اختلاف شدید بازده نهایی کار در نواحی شهری و روستایی و میان بخش‌های مختلف اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و خدمات، در نواحی مختلف جغرافیایی و نیز کم‌کاری در بخش کشاورزی و کاهش اشتغال نیروی انسانی در روستاهاست، که نتیجه رشد بی‌رویه جمعیت، تغییر قیمت‌ها، استفاده از تکنولوژی سرمایه بر و نامناسب در روستاها برای بالا بردن قابلیت تولید می‌باشد". این عوامل "و نتایج مرتب بر آن باعث سرازیر شدن جمعیت روستایی به شهرها، یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و یا از بخش کشاورزی به بخش‌های صنعت و خدمات متمرکز شده در شهرها گردیده است" (Javan, 2011: 362). با توجه به موارد مطرح شده به نظر می‌رسد "مهاجرت بی‌رویه، نتیجه‌ی دور تسلسلی از اجرای سیاست‌های غلط است که در بسیاری از موارد اتخاذ این سیاست‌های غلط نیز خود ناشی از وجود مهاجرین در یک منطقه و کاهش جمعیت در منطقه‌ی دیگر است" (Moghimizadeh, Akbari., & Servant, 2013: 6 quoted in Mashhadizadeh Dehaqani, N., 1995). بنابراین به نظر می‌رسد مهاجرت‌های روستا شهری در ایران تابع چرخه ذیل است. (شکل ۱).



شکل ۱. چرخه مهاجرت‌های روستا-شهری در ایران.

اصطلاح "دارایی" به چیزی اطلاق می‌شود که ارزش گذاری می‌شود. اموال بهتر و مفیدتر درک می‌شود نه به‌عنوان یک کالای ارزشمند یا حتی به‌عنوان روابط بین افراد و کالاهای ارزشمند، بلکه به‌عنوان روابط بین افراد با توجه به کالاهای ارزشمند (Pradhan et al., 2018: 1). دارایی‌ها افراد را قادر می‌سازد تا به شیوه‌های توسعه‌یافته فکر و رفتار کنند که افراد بدون دارایی نمی‌توانند. این تفکر و رفتار رشدی، مجموعه‌ای از قابلیت‌ها را ایجاد می‌کند و ممکن است در نهایت منجر به احساس آزادی در تصمیم‌گیری شود (Oladokun et al., 2019: 3).

به نظر می‌رسد مهاجرت مردان احتمالاً بر سهم زنان در مالکیت و مدیریت دارایی‌ها و منابع تولیدی خانواده مؤثر است. بر اساس رویکرد جنسیتی مهاجرت، مطالعاتی که تا به حال در زمینه مهاجرت انجام شده مختص مردان بوده و کمتر مسائل مربوط به زنان مانند دارایی‌های زنان در نظر گرفته شده است. این در حالی است که مهاجرت دارای ابعاد جنسیتی است. صاحب‌نظران و طرفداران این

دیدگاه معتقدند که هرچند مهاجرت مردان از روستا به شهر بسیار مورد توجه بوده و در مورد آن تحقیق گسترده ای نیز انجام شده، اما ابعاد جنسیتی مهاجرت به ویژه تأثیر آن روی مبدأ مهاجرت تا حدود زیادی نادیده انگاشته شده است. به ویژه اینکه تا به حال توجهی به مطالعه نقش زنان خانوارهای مهاجر در مدیریت منابع تولیدی خانواده نشده است. به نظر می رسد که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا دارای آثار متعددی بر مبدأ مهاجرت به ویژه از بعد جنسیتی است که از جمله این آثار می توان به تغییر در مالکیت زمین و سایر منابع تولید نام برد. متأسفانه اطلاعات موجود در این زمینه کم است. اطلاعات آماری مهاجرت روستا به شهر به تفکیک جنسیت در دسترس نیست و اطلاعات موجود در زمینه خانوارهای روستایی دارای سرپرست زن محدود است. این چنین خلأهای اطلاعاتی موجب شده است که تصمیم گیرندگان و دست اندرکاران از اهمیت این موضوعات در سیاست گذاری آگاهی نیابند و در برنامه ها جنسیت را به مثابه یک متغیر مهم مهاجرت در نظر نگیرند.

"با توجه به منابع مورد بررسی و همچنین دیدگاه ها و نظریات موجود در این زمینه، می توان گفت که مهاجرت مردان و ماندن زنان در روستا موجب پذیرش نقش های جدید، وارد شدن زنان به کار کشاورزی و دامداری، افزایش مسئولیت های زنان در زمینه های مختلف، تغییر روابط خانوادگی، تغییر در روند تصمیم گیری داخل خانواده و تغییر در وابستگی زنان به شبکه وسیع اقوام، دوستان و همسایگان گردیده است. به اعتقاد کارکردباوران، مهاجرت موجب تغییرات جدید در نقش ها می شود. این تغییر نقش ها می تواند در هر دو گروه سرپرستان خانوار مهاجر یا زنان جامانده در روستا صورت گیرد. طرفداران رویکرد جنسیتی معتقدند که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا دارای آثار متعدد بر مبدأ مهاجرت به ویژه از بعد جنسیتی است که از جمله این آثار می توان تغییر در مالکیت زمین و افزایش تعداد خانوارهای سرپرست زن، تغییر در نظام های زراعی، نیروی کار زراعی روستا، تنوع درآمد و مدیریت در روستا، تغییر در روابط خویشاوندی و ساختار خانواده و... نام برد." (Effati, 2003: 262-263).

تحقیقات نشان می دهد جوامع گوناگون، نقش ها و مختصات زنان و مردان را متفاوت از یکدیگر و گاهی کاملاً مغایر باهم توصیف می کنند. در تقسیم کار سنتی که بر مبنای جنسیت صورت می گیرد، معمولاً جامعه از مردان انتظار دارد که وسایل معیشت خانواده را فراهم آورند. از این رو مردان در بیرون خانه به کار تولیدی می پردازند و متقابلاً از زنان انتظار می رود که در خانه کار کنند. قبول این تقسیم کار سنتی که بر مبنای جنسیت صورت می گیرد، مسأله آفرین است. بررسی ها نشان می دهد که مردان و زنان هر دو به کار تولیدی دست می زنند، اما کار در خانه به عنوان کار عمده زنان باقی می ماند. به همین دلیل است که برنامه های ملی توسعه، دانسته یا ندانسته، توسعه اقتصادی و اجتماعی مردان را مدنظر دارند، زیرا مردان به عنوان تولیدکنندگان اصلی جامعه شناخته می شوند (Azkia & Imani, 2008: 149-150). بدین ترتیب ملاحظه می شود که از یک سو در عرصه واقعیت و در جریان مشارکت زن و مرد در کارهای تولیدی و از سوی دیگر در طرح برنامه های توسعه، شکافی عمیق پدید می آید. بسیاری از این برنامه ها، بر نقش زنان در کارهای خانه تأکید می ورزند و تلاش های تولیدی ایشان را مورد غفلت قرار می دهند. بدین ترتیب برنامه ریزی توسعه نه تنها باید توجه خود را به رشد هدف های بزرگ معطوف دارد، بلکه باید به سیاست ها، برنامه ها و استراتژی هایی که بر این هدف ها و مخصوصاً مردم آسیب پذیر و حاشیه می پردازند توجه کند و مسئله جنسیت یا تفاوتی را که جامعه بین مردان و زنان قائل گردیده است، به خوبی دریابد. نظر به اینکه برنامه های توسعه به طور ضمنی بر منافع مردان متمرکز است، برنامه ریزی پاسخ به جنسیت، باید بیش از پیش به نیازهای زنان و به ویژه زنانی که وابسته به خانواده های کم درآمد هستند و از فقر رنج می برند، پاسخ گوید (Azkia et al., 2008: 149-150; Sarhadhi, 1993). لازم به ذکر است که برای تسهیل مطالعات جنسیتی، مجموعه ای از روش ها تحت عنوان «تحلیل جنسیتی» شکل گرفته است. مثلاً با استفاده از ابزار تحلیل جنسیتی به نام «تقویم تفاوت وظایف جنسیتی»، می توان پی برد که چه کسی چه کاری را انجام می دهد. در اغلب کشورها وظایف مردان روستایی در دوران جوانی و بزرگسالی زیاد است. مردان مسن تر به امور درون خانه نیز رسیدگی می کنند. به طور مشابهی، کار دختران از سنین پایین آغاز می شود و مسئولیت های آنان با بزرگ شدنشان افزایش می یابد. زنان در بزرگسالی کاملاً به سمت فعالیت های تولیدی کشیده می شوند و حتی در سالخوردگی نیز هنوز در امر تولید اشتغال دارند" (khani et al., 2012: 147).

زنان روستایی برای دستیابی به منابع تولیدی از جمله زمین، آب و منابع مالی که برای بهره وری و امنیت غذایی آنها حیاتی است، با چالش های متعددی روبرو هستند. زنان با تفاوت های جنسیتی قابل توجهی در دسترسی و کنترل بر زمین مواجه هستند که اغلب توسط هنجارهای قانونی و فرهنگی که مالکیت زمین و حقوق ارثی آنها را محدود می کند، تقویت می شود. در برخی فرهنگ ها، زنان به عنوان مالک زمین شناخته نمی شوند و دسترسی آنها به زمین اغلب از طریق شوهران یا اقوام مردشان انجام می شود. همچنین زنان روستایی با عدم دسترسی به منابع و خدمات تولیدی دیگر از جمله اعتبار، پس انداز، وام، بیمه و زیرساخت ها مواجه هستند که برای

بهره‌وری کشاورزی و توانمندسازی اقتصادی آنها حیاتی است^۱. متأسفانه هنجارهای فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی اغلب دسترسی زنان به منابع تولیدی از جمله زمین، آب و منابع مالی را محدود می‌کند. زنان اغلب واجد شرایط کمتری برای سرمایه‌گذاری در تولیدات کشاورزی تلقی می‌شوند و سهم آنها در بخش کشاورزی اغلب به رسمیت شناخته نشده یا کم‌ارزش می‌باشد (Dwomoh et al., 2023). نیز عدم مالکیت زنان بر دارایی‌هایی که می‌توانند به‌عنوان وثیقه برای وام استفاده شوند، دسترسی آنها به خدمات مالی را که برای بهره‌وری کشاورزی و توانمندسازی اقتصادی حیاتی است، محدود می‌کند. در کنار همه این مسائل زنان اغلب در سیاست و تصمیم‌گیری کمتر نمایندگی می‌شوند، که توانایی آنها را برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و برنامه‌هایی که دسترسی آنها به منابع تولیدی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، محدود می‌کند. این در حالی است که زنان روستایی اغلب زمان قابل توجهی را صرف کارهای مراقبتی بدون مزد می‌کنند که توانایی آنها را برای شرکت در فعالیت‌های درآمدزا و دسترسی به منابع تولیدی محدود می‌کند. آنها اغلب از سطح تحصیلات و آموزش کمتری نسبت به مردان برخوردارند، و این توانایی آنها را برای دسترسی و استفاده مؤثر از منابع تولیدی محدود می‌کند. لذا بهبود دسترسی زنان روستایی به منابع تولیدی برای دستیابی به امنیت غذایی، کاهش فقر و ارتقای برابری جنسیتی حیاتی است. این امر مستلزم پرداختن به عوامل زیربنایی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که دسترسی زنان به منابع تولیدی را محدود می‌کند و آنها را برای مشارکت کامل در بخش کشاورزی توانمند می‌سازد (Ajadi, 2015).

به‌طور کلی نابرابری‌های اجتماعی از موانع ساخته‌شده اجتماعی برای دسترسی به منابع تولیدی و مالی ناشی می‌شوند که مانع مشارکت اجتماعی و نمایندگی سیاسی نیز می‌شود. هنجارهای مردسالارانه که منجر به عدم تعادل قدرت بین زنان و مردان می‌شود، برای زنان در کشاورزی، به‌ویژه در حقوق زمین (قطعه‌های کوچک، مشکلات دسترسی به مالکیت، حقوق تبعیض آمیز ارت)، منابع تولیدی (عدم دسترسی به بازارهای اعتباری، خدمات ترویجی یا نهاده‌ها)، آسیب‌هایی را برای زنان ایجاد می‌کند (Sexsmith et al., 2017). این در حالی است که زنان در خانوارهای مهاجر فرست نسبت به زنان در خانواده‌های غیرمهاجر فرست نقش بیشتری در تصمیم‌گیری خانوار ایفا می‌کنند (Pradhan et al., 2019: 11). دارایی به‌طور گسترده به‌عنوان یک منبع مهم برای توانمندسازی زنان شناخته‌شده است. بنابراین، بسیاری از سیاست‌های توسعه در سرتاسر جهان خواستار تقویت حقوق زنان بر مالکیت، به‌ویژه دارایی‌های فیزیکی مانند زمین و دام است. با این حال، رابطه بین مالکیت و توانمندسازی زنان به دلیل همپوشانی و ماهیت پویای حقوق مالکیت، پیچیده‌تر از آن چیزی است که معمولاً تصور می‌شود (Pradhan et al., 2019: 4). در مطالعات مختلف تأیید شده که مالکیت دارایی تأثیر بسزایی بر رفاه زنان دارد و یک ورودی کلیدی در دستیابی به رفاه زنان روستایی است (Oladokun et al., 2019: 13). (جدول ۱).

جدول ۱ نظریه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در برنامه توسعه زنان را نشان می‌دهد.

دیدگاه	رویکرد برنامه‌ریزی	نقش زنان	مشکلات	راه‌حل‌ها
زن و توسعه	رفاه (Welfare)		فقر زنان	ارائه خدمات حمایتی در بهداشت، تغذیه، مهدکودک و ... طراحی و ایجاد طرح‌های خاص زنان
	مبارزه با فقر (Anti-poverty)	تولیدمثل	زنان به‌عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر	ترویج خوداتکایی کسب مهارت‌ها طراحی و توسعه خوداشتغالی و صنایع خانگی ایجاد کسب‌وکار زنانه
	کارایی (Efficiency)	تولیدکنندگی	انسانی زنان زنان به‌عنوان سرمایه توسعه‌نیافته عدم رشد اقتصادی	شناسایی نقش تولیدکنندگی زنان بهبود و دسترسی زنان به اعتبارات تکنولوژی، فناوری و سایر منابع
	تساوی یا عدالت جنسیتی (Equality equality)		ساختار نابرابر بر مبنای باورهای تعصب برانگیز و	انجام تحلیل‌های جنسیتی جمع‌آوری آمار تفکیکی جنسیتی

¹. <https://www.un.org/womenwatch/feature/ruralwomen/overview-access.html>

دیدگاه	رویکرد برنامه‌ریزی	نقش زنان	مشکلات	راه‌حل‌ها
جنسیت و توسعه			تبعیض آمیز علیه زنان در زمینه‌های مختلف مثل آموزش بهداشت، اعتبار، زمین	_ ارائه فرصت‌های مساوی در کلیه بخش‌ها و زیر بخش‌ها در تمام سطوح (با تأکید بر سطوح مدیریتی)
زن عامل توسعه (نهادگرا)	توانمندسازی (Empowerment)	تولیدکنندگی و اجتماعی	_ مردسالاری _ نهادینه شدن تبعیض علیه زنان در مراکز تصمیم گیر، تصمیم‌ساز و سیاست گذرا _ عدم توسعه انسانی	_ افزایش کنترل بیشتر زنان بر منابع تولید _ راهبردهایی برای ارتقای آگاهی، حساسیت و تجهیز زنان و مردان با شرایط مناسب قابلیت‌زا

برگرفته از: ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۶۹.

پیشینه تحقیق

به‌طور کلی نقش زنان روستایی در مدیریت منابع تولیدی موضوعی قابل توجه در توسعه روستایی است. بررسی پیشینه داخلی نشان داد که تاکنون مطالعه‌ای که به بررسی نقش زنان روستایی در مدیریت منابع تولیدی خانوار بپردازد، مشاهده نشد و این مطالعه از این حیث، جدید است.

موکاتی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در مطالعه خود نتایج نشان داد که اگرچه زنان اکثریت نیروی کار در کشاورزی را تشکیل می‌دادند، اما در تصمیم‌گیری دخالت نداشتند و مالک زمین نبودند، آنها فاقد وسایل کشاورزی بودند، از روش‌های کشاورزی ضعیف و قدیمی استفاده می‌کردند و در معرض تبعیض جنسیتی نهادینه شده بودند. اولادوکون و آدنگان^۲ (۲۰۱۹)، در مطالعه خود رابطه بین سطح مالکیت دارایی و محرومیت از رفاه زنان در روستاهای نیجریه مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان داد که سطح دارایی‌های فیزیکی متعلق به زنان روستایی مانند تلفن همراه (۰۶۸،۷ درصد) و رادیو (۰۶۳،۵ درصد) بوده است در حالی که فقط (۵،۹ درصد) دارای مالکیت زمین بودند. همچنین مالکیت دارایی تأثیر مثبتی بر محرومیت زنان از رفاه داشته است. گادیس و همکاران^۳ (۲۰۱۹) از داده‌های ۲۸ کشور در جنوب صحرائی آفریقا استفاده کردند تا شکاف‌های بین مردان و زنان در مالکیت زمین و مسکن را مورد توجه قرار دهند و الگوهای بین کشورها و درون کشورها را تحلیل کنند. بر اساس نتایج به دست آمده، مردان سه برابر بیشتر از زنان مالکیت انحصاری بر دارایی دارند. مردان حتی پس از کنترل بسیاری از عوامل دیگر به‌طور قابل توجهی بیشتر از زنان دارای دارایی هستند. پرادان^۴ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقات خود در نپال، چگونگی تأثیر حقوق مالکیت بر توانمندسازی زنان در مراحل مختلف چرخه زندگی و مکان‌های اجتماعی مختلف، قومیت‌ها، ساختارهای خانوار و طبقه اجتماعی با تکیه بر تحقیقات قوم‌نگاری بررسی کردند. این مطالعه بر اساس الگوهای توانایی زنان و همچنین تمایل به اعمال حقوق خاص بر دارایی مشترک و شخصی در خانواده‌هایشان می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دسته‌های حقوقی حقوق مالکیت در نپال، حقوق متفاوتی را در مورد دارایی‌های مشترک در خانوارها در نظر نمی‌گیرند. به جای تأکید بر کنترل فردی بر دارایی‌ها برای توانمندسازی زنان، باید روابط اجتماعی پیرامون مالکیت در نظر گرفته شود تا بفهمیم زنان برای چه حقوقی ارزش قائل هستند و خواهان آن هستند. آدرینوی عبدالوهاب^۵ و همکاران (۲۰۱۶) دسترسی زنان روستایی در ایالت کوآرا نیجریه به منابع تولیدی مانند زمین، دام و سرمایه را به منظور تعیین سطح توانمندی اجتماعی-اقتصادی آنها ارزیابی کردند. نتایج نشان داد زنان روستایی تمایل به شرکت در فعالیت‌های اقتصادی سودمند دارند و مالکیت منابع تولیدی مانند زمین و دام می‌تواند معیشت آنها را افزایش دهد. این مطالعه دیدگاه متفاوتی را در مورد تأثیر و ارتباط تملک دارایی‌های فیزیکی در افزایش تنوع معیشت زنان و توسعه کلی معیشت روستایی ارائه می‌کند.

بررسی پیشینه خارجی نشان می‌دهد سهم زنان روستایی در مالکیت منابع تولیدی خانوارها در فرهنگ‌ها و مناطق مختلف متفاوت است. در فرهنگ یوروباء، مردان نسبت به زنان دارای سهم بیشتری از منابع تولیدی هستند. اما زنان در فرهنگ نوپه^۷ نسبت به زنان

1. Mokati

2. Oladokun & Adenegan

3. Gaddis

4. Pradhan

5. Aderinoye-Abdulwahab

6. Yoruba

7. Nupe

یوروبا سهم بیشتری از مالکیت منابع تولیدی دارند. در تانزانیا و موزامبیک، زنان به طور متوسط در مقایسه با مردان دارای منابع تولیدی بسیار کمتری هستند و میانگین تعداد آنها به طور قابل توجهی کمتر از مردان است. در کنیا مردان ۱۰ برابر زنان گاو داشتند، در حالی که در تانزانیا مردان ۱۸ برابر زنان گاو داشتند، اما در موزامبیک زنان به ازای هر رأس گاو متعلق به مردان ۰٫۸ رأس داشتند. تصمیم‌گیری در مورد فروش منابع تولیدی نیز متأثر از جنسیت و فرهنگ است. مردان بر مالکیت تمام سرمایه تولیدی خانوار تسلط دارند. زنان بیشتر تصمیم به فروش دام و طیور کوچک می‌گیرند، در حالی که تصمیم برای فروش تمام سرمایه تولیدی دیگر توسط مرد گرفته می‌شود. علیرغم نقش مهمی که زنان در کشاورزی و امنیت غذایی ایفا می‌کنند، آنها همچنان بر طیفی از منابع تولیدی، از جمله آموزش، زمین، اطلاعات و منابع مالی تسلط ضعیف‌تری دارند. مؤسسات اقتصادی، ترویجی و سایر مؤسسات عمومی در اکثر کشورهای در حال توسعه دارای تعصب جنسیتی هستند و اغلب نیازهای زنان را نادیده می‌گیرند. بهبود دسترسی کشاورزان زن روستایی به منابع تولیدی مانند زمین، آب و منابع مالی می‌تواند بهره‌وری و امنیت غذایی کشاورزان زن را افزایش دهد. مالکیت زنان بر دارایی‌ها، قدرت چانه‌زنی، نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری خانواده و هزینه‌های مربوط به آموزش و سلامت کودکان را افزایش می‌دهد. شکاف دارایی‌های جنسیتی نیز شاخصی مهم برای توانمندسازی زنان است (Ajadi, 2015). همچنین در سطح جهانی، اگرچه تقریباً از هر ۲ کشاورز، ۱ نفر زن هستند اما زنان تنها ۱۵ درصد از کل زمین‌داران را تشکیل می‌دهند. زنان روستایی اگرچه به طرق مختلف به درآمد خانواده‌ها و رشد جوامع کمک می‌کنند، اما سهم آنها به دلیل دسترسی نابرابر به منابع و همچنین تبعیض مداوم و هنجارهای جنسیتی محدود است.^۱

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهش، پیمایشی است و چون در یک مقطع زمانی معین صورت گرفته است، مطالعه‌ای مقطعی تلقی می‌شود و از آنجاکه در مورد جمعیت نمونه معرف انجام می‌گیرد تا قدرت تعمیم‌پذیری داده‌ها فراهم شود، تحقیقی پهنانگر است. واحد تحلیل زنان روستایی دارای سرپرست خانوار مهاجر است. خانوارهای نمونه در هر روستا به روش گلوله برفی شناسایی و سپس بر اساس معیارهای تعریف‌شده در پرسشنامه مدیریت زنان بر منابع تولید موردبررسی قرار گرفت. اطلاعات موردنیاز در این بررسی با استفاده از روش‌های میدانی گردآوری شد.

محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه شهرستان مشهد است. این شهرستان در سال ۱۳۹۵ دارای ۳ بخش، ۱۱ دهستان با ۵۷۸ آبادی (۱۹۲ آبادی خالی از سکنه و ۳۸۶ آبادی دارای سکنه بوده است: Statistical Yearbook of Razavi Khorasan Province, 2013). (74) با توجه به موضوع، جامعه آماری تحقیق روستاهای دارای نسبت جنسی پائین می‌باشد که مهاجرت مردان در این روستاها رایج است، لذا به کمک اطلاعات جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن، نسبت جنسی کلیه روستاهای شهرستان استخراج شد، بر این اساس ۲۵٫۳ درصد روستاهای شهرستان، معادل ۹۲ روستا دارای نسبت جنسی پائین بوده‌اند. به منظور تعیین حجم نمونه حدود ۲۵ درصد جامعه آماری (معادل ۲۲ روستا) به عنوان روستاهای مورد مطالعه تعیین و به طور تصادفی انتخاب شدند. روستاهای مورد بررسی دارای ۱۸۳۹ خانوار جمعیت بوده‌اند. به منظور تعیین حجم خانوارهای مورد بررسی از فرمول کوکران با ضریب خطای ۰٫۰۵۳ استفاده و حجم خانوارهای مورد بررسی معادل ۲۸۹ خانوار روستایی دارای سرپرست مهاجر تعیین گردید. لازم به ذکر است که تعداد خانوارهای مورد بررسی در هر روستا بر اساس قاعده تسهیم به نسبت مشخص گردید (جدول ۲) و (شکل ۲).

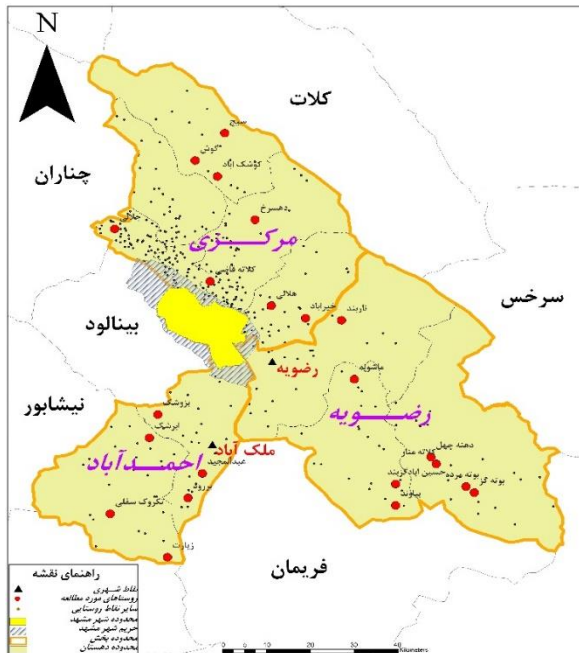
جدول ۲. اطلاعات جمعیتی روستاهای نمونه تحقیق در شهرستان مشهد.

بخش	دهستان	روستا	خانوار	تعداد مرد	تعداد زن	نسبت جنسی	تعداد نمونه
۹ ۳ ۳	کنویست	خیرآباد	۱۹۶	۳۳۱	۳۷۰	۸۹	۱۹
	میان ولایت	هلالی	۷۱	۱۳۳	۱۵۲	۸۸	۱۴
	کارده	جلالی	۱۶۸	۳۰۲	۳۳۷	۹۰	۲۰
		سیح	۱۴۹	۲۱۶	۲۵۷	۸۴	۱۵

¹. <https://www.ifad.org/en/web/latest/-/these-numbers-prove-that-rural-women-are-crucial-for-a-better-future>

بخش	دهستان	روستا	خانوار	تعداد مرد	تعداد زن	نسبت جنسی	تعداد نمونه	
احمدآباد	تبادکان	گوش	۱۳۹	۱۷۸	۲۲۴	۷۹	۱۴	
		کوشک آباد	۹۱	۱۲۳	۱۵۱	۸۱	۱۲	
		کلاته قاضی	۲۲	۳۵	۴۰	۸۸	۷	
		ده سرخ	۱۵۶	۲۰۷	۲۴۶	۸۴	۱۶	
		بزویشک	۱۴۲	۱۸۶	۲۱۶	۸۶	۱۴	
	سرجام	بررود	۴۰	۶۰	۷۳	۸۲	۱۰	
		عبدالمجید	۳۸	۵۳	۶۳	۸۴	۱۰	
		ابرش/اشرشک	۱۴۵	۲۰۰	۲۳۸	۸۴	۱۵	
		زیارت	۸۲	۱۲۹	۱۵۰	۸۶	۱۴	
		تکروک سفلی	۲۷	۴۲	۵۳	۷۹	۱۰	
رضویه	آبروان	حسین آبادگزیند	۴۲	۷۲	۹۰	۸۰	۱۲	
		ماشوله	۳۷	۶۴	۷۴	۸۶	۱۲	
		بیاروند	۳۳	۵۳	۶۸	۷۸	۱۲	
		ناریند	۴۷	۵۸	۶۹	۸۴	۱۲	
		کلاته منار	۱۰۷	۱۸۰	۲۰۸	۸۷	۱۶	
	پائین ولایت	دهنه چهل	۵۳	۹۷	۱۰۹	۸۹	۱۳	
		بوته گز	۲۸	۴۰	۴۶	۸۷	۱۰	
		بوته مرده	۲۶	۳۶	۴۵	۸۰	۱۲	
		جمع	۲۲	۱۸۳۹	۲۷۹۵	۳۲۷۹	۸۴	۲۸۹

برگرفته از: مرکز آمار ایران، مستخرج از نتایج عمومی نفوس و مسکن



شکل ۲. تقسیمات سیاسی شهرستان مشهد و موقعیت روستای مورد بررسی ۱۳۹۵.

یافته‌ها

در این مطالعه ۲۸۹ زن دارای سرپرست خانوار مهاجر در ۲۲ روستای شهرستان مشهد مورد بررسی قرار گرفت. میانگین سنی زنان پاسخگو ۳۷ سال و میانگین سنی همسران آنها ۴۲ سال می‌باشد. ۹۳/۴ درصد پاسخگویان متأهل و مابقی بیوه یا مطلقه بوده‌اند ۹۰ درصد، زنان پنج سال و کمتر از آن تحصیل داشته‌اند. میانگین سال‌های تحصیل زنان مورد بررسی ۳/۳۸ سال است. تنها تعداد ۹۸

زن (معادل ۳۳/۹٪)، دارای شغل درآمدزا بوده‌اند که از این تعداد، ۷۴ نفر (معادل ۷۵/۵٪)، در بخش خدمات، تعداد ۱۴ نفر (معادل ۱۴/۳٪) شاغل در بخش صنعت، و تعداد ۱۰ نفر (معادل ۱۰/۲٪)، شاغل در بخش کشاورزی (عمدتاً دامدار) می‌باشند. از تعداد ۹۸ نفر شاغل زن، تعداد ۷۲ نفر (معادل ۷۳/۵٪)، در خانه مشغول به کسب درآمد هستند. این افراد در فعالیت‌هایی مانند؛ پاک کردن زعفران، شکستن پسته، عروسک دوزی، بسته‌بندی کاغذی و درست کردن تسبیح و... مشغول به فعالیت هستند. ۲۵/۵ درصد زنان شاغل دارای درآمد ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در ماه و تنها ۶/۱ درصد درآمد بیشتر از ۳۰۰ هزار تومان در ماه دارند. لازم به ذکر است که میانگین درآمد زنان شاغل ۱۳۰ هزار تومان در ماه می‌باشد. (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی سن و تحصیلات زنان موردبررسی

گروه سنی	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
کمتر از ۲۰ سال	۱	۰/۳	بی‌سواد	۵۱	۱۷/۶
بین ۲۰ تا ۲۹ سال	۵۷	۱۹/۷	نهیض	۳۸	۱۳/۲
بین ۳۰ تا ۳۹ سال	۱۲۰	۴۱/۵	ابتدایی	۱۷۱	۵۹/۲
بین ۴۰ تا ۴۹ سال	۸۷	۳۰/۱	سیکل	۲۸	۹/۷
بین ۵۰ تا ۵۹ سال	۲۲	۷/۶	دیپلم و فوق‌دیپلم	۰	۰
بالتر از ۶۰ سال	۲	۰/۷	لیسانس	۱	۰/۳
جمع	۲۸۹	۱۰۰	جمع	۲۸۹	۱۰۰

برگرفته از: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

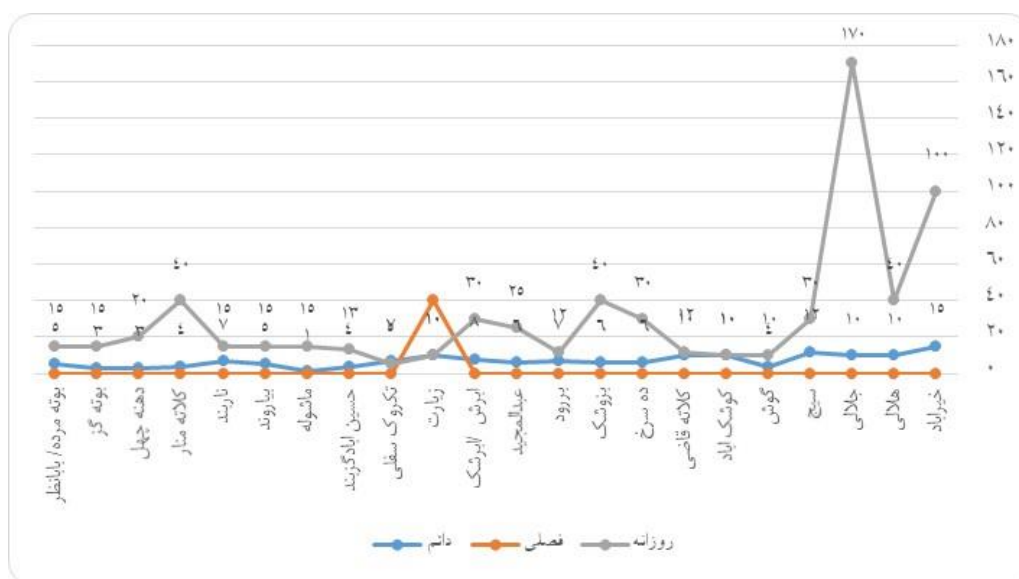
مطابق جدول زیر (۴)، و شکل (۳)، تعداد مهاجر دائم در روستاهای موردبررسی ۱۵۳ مرد مهاجر، فصلی ۴۰ مرد مهاجر و روزانه ۶۷۲ مرد بوده است. بنابراین مشاهده می‌شود که اغلب مهاجران روزانه هستند. در بین مهاجران دائم، روستای خیرآباد با ۱۵ مرد و روستای ماشوله با ۱ مرد، به ترتیب بیشترین و کمترین مهاجر را داشته‌اند. بالا بودن نرخ مهاجرت در روستای خیرآباد به دلیل نزدیکی این روستا به شهر مشهد باشد. همچنین روستای زیارت با ۴۰ نفر برای مدت حدوداً ۱۰ ماه تنها روستایی است که بین روستاهای مورد مطالعه مهاجر فصلی دارد. طولانی بودن مدت مهاجرت افراد در روستای زیارت به این خاطر می‌باشد که این افراد برای کار به مناطق و شهرهایی مانند سرخس، تهران، کیش و ... می‌روند. بیشترین مهاجرت روزانه نیز به ترتیب روستاهای جلالی است که ۱۷۰ مرد با ۶ روز در هفته و روستای خیرآباد که ۱۰۰ مرد با ۵ روز در هفته برای کار و امرار معاش به خارج از روستا می‌روند. این مهاجران روزانه مرد، بیشتر به صورت کارگران ساده و روزمزد هستند و اکثریت آنها اولویت اولشان برای کار و کسب درآمد، مشهد می‌باشد.

جدول ۴. ویژگی‌های مهاجران روستاهای مورد مطالعه ۱۳۹۵

نام روستا	مهاجر دائم		مهاجر فصلی		مهاجر روزانه	
	تعداد	تعداد	تعداد	چند ماه	تعداد	چند روز در هفته
خیرآباد	۱۵	۰	۰	۰	۱۰۰	۵
هلالی	۱۰	۰	۰	۰	۴۰	۶
جلالی	۱۰	۰	۰	۰	۱۷۰	۶
سیج	۱۲	۰	۰	۰	۳۰	۵
گوش	۴	۰	۰	۰	۱۰	۵
کوشک آباد	۱۰	۰	۰	۰	۱۰	۶
کلاته قاضی	۱۰	۰	۰	۰	۱۲	۵
ده سرخ	۶	۰	۰	۰	۳۰	۵
بزوشک	۶	۰	۰	۰	۴۰	۶
بررود	۷	۰	۰	۰	۱۲	۶
عبدالمجید	۶	۰	۰	۰	۲۵	۶

نام روستا	مهاجر دائم		مهاجر فصلی		مهاجر روزانه	
	تعداد	چند ماه	تعداد	چند روز در هفته	تعداد	چند روز در هفته
ابرش/ابرشک	۸	۰	۰	۳۰	۶	۰
زیارت	۱۰	۴۰	۱۰	۱۰	۵	۰
تکروک سفلی	۷	۰	۰	۵	۱۰	۰
حسین آبادگزیند	۴	۰	۰	۱۳	۶	۰
ماشوله	۱	۰	۰	۱۵	۵	۰
بیاروند	۵	۰	۰	۱۵	۶	۰
ناریند	۷	۰	۰	۱۵	۶	۰
کلاته منار	۴	۰	۰	۴۰	۶	۰
دهنه چهل	۳	۰	۰	۲۰	۶	۰
بوته گز	۳	۰	۰	۱۵	۶	۰
بوته مرده/ بابانظر	۵	۰	۰	۱۵	۶	۰
	۱۵۳	۴۰	-	۶۷۳		

برگرفته از: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۳. توزیع فراوانی مهاجران مرد و نوع مهاجرت در هر یک از روستاهای مورد بررسی ۱۳۹۵

علت اصلی مهاجرت سرپرستان خانواده که همگی مرد هستند، فقدان فرصت‌های شغلی در روستا، با فراوانی ۷۹ نفر (معادل ۲۷/۳٪)، و بعد از آن نداشتن درآمد کافی با ۷۶ نفر (معادل ۲۶/۳٪)، و در اولویت سوم خشکسالی و نبود آب کافی برای کشاورزی با ۶۶ نفر (معادل ۲۲/۸٪)، می‌باشد. شکل (۴) علت مهاجرت سرپرستان خانواده به درصد را نشان می‌دهد (جدول ۵).

جدول ۵. علت مهاجرت سرپرستان خانواده

درصد	فراوانی	علت مهاجرت
۲۷/۳	۷۹	فقدان فرصت‌های شغلی در روستا
۲۶/۳	۷۶	نداشتن درآمد کافی
۲۲/۸	۶۶	خشکسالی (نبود آب کافی برای کشاورزی)
۱۱/۸	۳۴	نداشتن زمین کشاورزی
۱۱/۸	۳۴	شرایط شغلی (چوپان، شوfer، راننده و امثالهم)

۱۰۰

۲۸۹

جمع

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۴. علت مهاجرت سرپرستان خانواده به درصد

اداره منابع تولیدی خانواده

مطابق جدول زیر (۶)، تعداد ۱۴۴ زن (معادل ۴۹/۸٪) عنوان کردند که، اداره منابع تولیدی بر عهده مرد خانواده می‌باشد. این‌ها عمدتاً زنان خانوارهایی هستند که همسرشان به‌صورت روزانه مهاجرت می‌کند. ۲ نفر از زنان (معادل ۰/۷٪)، عنوان نموده‌اند که اداره منابع تولیدی‌شان توسط مادرشوهر صورت می‌گیرد. همچنین ۶۳ نفر از زنان (معادل ۲۱/۸٪)، از کل پاسخگویان نیز فاقد هرگونه منابع تولیدی بوده‌اند. بیشتر زنان با فراوانی ۱۲۹ نفر (معادل ۴۴/۶٪)، عنوان کردند که اداره امور منزل و کارهایی که در منزل توسط مردان صورت می‌گیرد، در هنگام حضور در خانه، توسط مردان انجام می‌شود. این امر با درصد بالای مهاجران روزانه قابل توجیه است. ۱۱۶ نفر از زنان پاسخگو خود امور منزل را در زمان غیبت مرد اداره می‌نمایند، ۱۰ نفر مادر شوهر این وظیفه را انجام می‌دهد، ۱۲ زن عنوان نموده‌اند که خانواده خودشان (دختر) این وظیفه را برعهده می‌گیرند و کمترین فراوانی با ۶ نفر (معادل ۲/۱٪)، عنوان کردند که اداره امور منزل در زمان غیبت مرد بر عهده برادرشوهر می‌باشد.

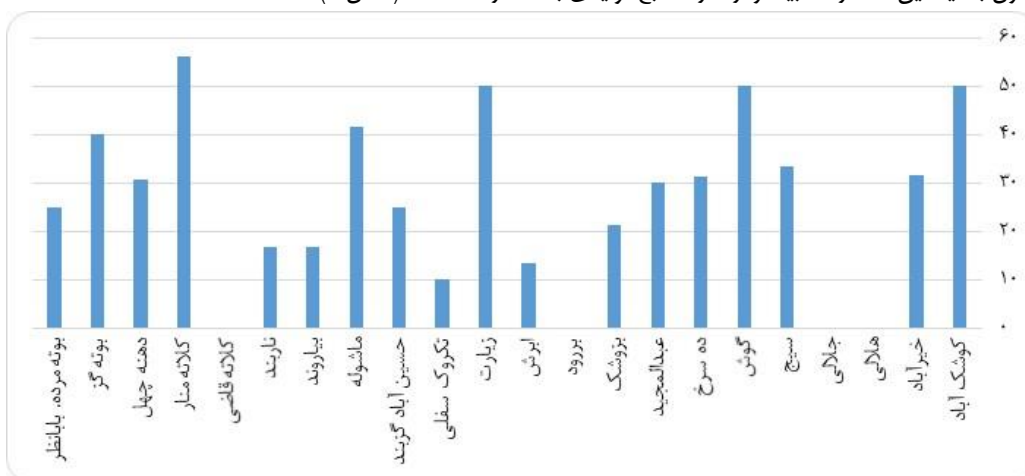
جدول ۶. اداره منابع تولیدی خانواده و اداره امور منزل در غیبت سرپرست خانوار

اداره منابع تولیدی	اداره منابع تولیدی خانواده		اداره امور منزل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مرد	۱۴۴	۴۹/۸	۱۲۹	۴۴/۶
زن	۷۷	۲۶/۶	۱۱۶	۴۰/۱
پدرشوهر	۳	۱	۱۶	۵/۵
مادرشوهر	۲	۰/۷	۱۰	۳/۵
برادرشوهر	۰	۰	۶	۲/۱
خانواده زن	۰	۰	۱۲	۴/۲
فاقد منابع تولیدی	۶۳	۲۱/۸	-	-
جمع	۲۸۹	۱۰۰	۲۸۹	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

به‌طور میانگین تنها ۲۶ درصد زنان روستایی در هنگام غیبت مرد اداره منابع تولیدی خانواده را بر عهده دارند. همچنین ۴۰/۱ درصد زنان خانوارهای روستایی اداره امور منزل را در زمان غیبت مرد بر عهده دارند. در روستای کلاته منار زنان با ۵۶/۳ درصد اداره

منابع تولیدی در زمان غیبت مرد بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در روستای کوشک آباد ۹۱/۷ زنان اداره امور منزل در زمان غیبت مرد را بر عهده دارند. مشاهده می‌شود علی‌رغم غیبت مرد از روستا و خانواده هر چند به‌طور موقت، نقش زنان در اداره امور منزل با میانگین ۴۰ درصد بیشتر از اداره منابع تولیدی با ۲۶ درصد است. (شکل ۵).



شکل ۵. اداره منابع تولیدی در زمان غیبت مرد توسط زن در روستاهای مورد بررسی

میزان مالکیت زنان بر دارایی‌های خانواده

از مجموع زنان مورد بررسی ۵۶ زن معادل ۱۹/۴ درصد هیچ مالکیت رسمی بر اموال و دارایی‌های خانوار ندارند. جدول زیر میزان مالکیت افراد در اموال و دارایی‌هایشان را نشان می‌دهد. بر این اساس؛ مالکیت منزل مسکونی با فراوانی ۲۱۳ (معادل ۷۳/۷٪)، از کل پاسخگویان، متعلق به مرد خانواده (سرپرست) می‌باشد. کمترین فراوانی با ۱ نفر، پاسخگو مالکیت مشترک خانه مسکونی بین زن و مرد می‌باشد.

مالکیت اتومبیل (۵۷ نفر) ۱۰۰ درصد متعلق به مرد (سرپرست) خانواده می‌باشد. همچنین تعداد ۲۳۲ خانوار (معادل ۸۰/۳٪)، که مابقی جامعه را تشکیل می‌دهند فاقد اتومبیل می‌باشند. تعداد ۶۹ نفر (معادل ۲۳/۹٪)، مالک و دارای موتورسیکلت هستند که این مالکیت به‌طور کامل در اختیار مرد (سرپرست) خانواده می‌باشد. همچنین تعداد ۲۲۰ خانوار (معادل ۷۶/۱٪)، نیز فاقد موتور می‌باشند. مالکیت زمین در مناطق روستایی به‌عنوان محل اصلی زندگی و تولید نقش محوری دارد (Gaddis et al., 2018: 4). مالکیت زمین زراعی با فراوانی ۷۳ خانوار (معادل ۲۵/۳٪)، در تملک مرد (سرپرست) خانواده می‌باشد. کمترین میزان مالکیت با فراوانی ۳ خانوار (معادل ۱٪)، در اختیار زنان در خانواده می‌باشد. همچنین تعداد ۲۰۶ خانوار (معادل ۷۱/۳٪)، فاقد زمین زراعی می‌باشند. مالکیت باغ با فراوانی ۱۲ خانوار (معادل ۴/۲٪)، متعلق به مرد (سرپرست) خانواده می‌باشد، و تعداد ۲۷۷ خانوار (معادل ۹۵/۸٪)، فاقد زمین باغی هستند.

زمین زراعی و باغی با بیشترین تعداد، ۱۴ خانوار (معادل ۴/۸٪)، در مالکیت مرد (سرپرست) خانواده و تنها مالکیت در ۲ خانوار (معادل ۰/۷٪)، برای خانواده مرد می‌باشد. این گروه شامل کسانی می‌شود که در انجام امور کشاورزی و باغداری و محصول سهیم هستند ولی مالکیت حقیقی بر زمین ندارند. همچنین تعداد ۲۷۳ خانوار (معادل ۹۴/۵٪)، نیز فاقد زمین زراعی و باغی می‌باشند. لازم به ذکر است که زمین زراعی و باغی شامل زمین‌هایی می‌شود که کاربری زراعی و باغی به‌طور مجزا و جدا از هم برای آنها تعریف نشده و ندارند. به همین خاطر در کناره‌های زمین‌های زراعی درخت کاشته‌اند. مطالعات نشان می‌دهد در کشورهایی که زنان کمتر از مردان صاحب زمین هستند، احتمال مالکیت مسکن نیز از مردان کمتر است و بالعکس. زیرا در مناطق روستایی زمین و مسکن اغلب به‌عنوان یک دارایی ترکیبی در نظر گرفته می‌شود (Gaddis et al., 2018: 15).

بیشترین تعداد مالکیت گوساله و گاو با ۵ خانوار (معادل ۱/۷٪)، به‌طور مشترک بین زن و مرد می‌باشد. تنها در ۱ خانوار (معادل ۰/۳٪)، متعلق به خانواده زن می‌باشد. همچنین تعداد ۲۸۱ خانوار (معادل ۹۷/۲٪)، فاقد گاو و گوساله می‌باشند. بیشترین تعداد مالکیت گوسفند و بز با ۱۴۵ خانوار (معادل ۵۰/۲٪)، متعلق به مرد (معادل سرپرست) خانواده می‌باشد. کمترین میزان با فراوانی ۱۸ خانوار (معادل ۶/۲٪)، از کل پاسخگویان در مالکیت زنان می‌باشد. همچنین تعداد ۱۰۱ خانوار (معادل ۳۴/۹٪)، نیز فاقد گوسفند و بز

هستند. طيور با بيشترين مالکيت ۱۳۵ خانوار (معادل ۴۶/۷٪)، در تملك مرد (سرپرست) خانواده قرار دارد. و تعداد ۱۵ خانوار (معادل ۵/۲٪)، به صورت مشترك مالکيت بين زن و مرد می باشد. همچنين تعداد ۱۱۶ خانوار (معادل ۴۰/۱٪)، از كل پاسخگويان نيز فاقد طيور می باشند. هيچ يك از خانوارهای موردبررسی دارای کارگاه نبوده اند.

مالکيت اقلامی مانند طلا که وضعیت ثبت حقیقی و حقوقی به طور کامل ندارند و بيشتر به صورت هديه می باشد، با فراوانی ۲۰۶ خانوار (معادل ۷۱/۳٪)، متعلق به زنان می باشد. همچنين تعداد ۸۳ خانوار (معادل ۲۸/۷٪)، نيز فاقد اين نوع مالکيت می باشند. لازم به ذکر است تعداد ۳۳ نفر از زنان مالکيت بيشتر از يك مورد از موارد يادشده در جدول زیر را دارند. (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت مالکيت زنان روستایی بر دارایی های خانواده

مالکيت	مرد	زن	مشترک	خانواده مرد	خانواده زن	مجموع	فاقد
تعداد	۲۱۳	۱۶	۱	۴۳	۱۶	۲۸۹	۰
درصد	۷۳/۷	۵/۵	۰/۳	۱۴/۹	۵/۵	۱۰۰	۰
تعداد	۵۷	۰	۰	۰	۰	۵۷	۲۳۲
درصد	۱۹/۷	۰	۰	۰	۰	۱۹/۷	۸۰/۳
تعداد	۶۹	۰	۰	۰	۰	۶۹	۲۲۰
درصد	۲۳/۹	۰	۰	۰	۰	۲۳/۹	۷۶/۱
تعداد	۷۳	۳	۰	۷	۰	۸۳	۲۰۶
درصد	۲۵/۳	۱	۰	۲/۴	۰	۲۸/۷	۷۱/۳
تعداد	۱۲	۰	۰	۰	۰	۱۲	۲۷۷
درصد	۴/۲	۰	۰	۰	۰	۴/۲	۹۵/۸
تعداد	۱۴	۰	۰	۲	۰	۱۶	۲۷۳
درصد	۴/۸	۰	۰	۰/۷	۰	۵/۵	۹۴/۵
تعداد	۲	۰	۵	۰	۱	۸	۲۸۱
درصد	۰/۷	۰	۱/۷	۰	۰/۳	۲/۸	۹۷/۲
تعداد	۱۴۵	۱۸	۲۵	۰	۰	۱۸۸	۱۰۱
درصد	۵۰/۲	۶/۲	۸/۷	۰	۰	۶۵/۱	۳۴/۹
تعداد	۱۳۵	۲۳	۱۵	۰	۰	۱۷۳	۱۱۶
درصد	۴۶/۷	۸	۵/۲	۰	۰	۵۹/۹	۴۰/۱
تعداد	۰	۲۰۶	۰	۰	۰	۲۰۶	۸۳
درصد	۰	۷۱/۳	۰	۰	۰	۷۱/۳	۲۸/۷

برگرفته از: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵

به طور میانگین ۵/۴ درصد زنان موردبررسی مالک خانه مسکونی، ۰/۹ درصد مالک زمین، ۴/۴ درصد مالک گوسفند و بز و ۷/۸ درصد مالک طيور خانواده بوده اند. بيشترين مالکيت خانه مسکونی برای زنان در روستای تکرک سفلی با میانگین ۲۰ درصد می باشد. مالکيت زمین زراعی در بين پاسخگويان زن تنها در سه روستای خيرآباد، کلاته منار و دهنه چهل می باشد. بيشترين مالکيت بز و گوسفند برای زنان با میانگین ۲۵ درصد در روستای کلاته منار می باشد. بيشترين مالکيت طيور برای زنان با میانگین ۲۱/۴ در روستای گوش می باشد. نتایج بررسی ها نشان می دهد تنها ۷۳ نفر (معادل ۲۵/۳٪)، از زنان دارای حساب بانکی و تعداد ۲۱۶ نفر (معادل ۷۴/۴٪)، از زنان نيز فاقد حساب بانکی هستند. جدول (۹). (جدول ۸).

ملاحظه می شود که در مالکيت و دارایی خانوار روستایی خطوط جنسیتی وجود دارد. شکاف های جنسیتی به طور برجسته در مالکيت زمین و دارایی مسکن، که دارایی های مهم و ابزار اصلی ذخيره ثروت در جوامع روستایی است، ظاهر می شود (Gaddis et al., 2018: 2).

جدول ۸. درصد مالکیت زنان روستایی بر اموال و املاک به تفکیک روستاهای مورد بررسی

نام روستا	مالکیت منزل مسکونی	مالکیت زمین زراعی	مالکیت گوسفند و بز	مالکیت طیور
کوشک آباد	۸/۳	۰	۱۶/۷	۱۶/۷
خیرآباد	۵/۳	۵/۳	۰	۰
هالالی	۱۴/۳	۰	۰	۷/۱
جلالی	۵	۰	۰	۱۰
سیج	۶/۷	۰	۰	۰
گوش	۰	۰	۰	۲۱/۴
ده سرخ	۶/۳	۰	۶/۷	۱۸/۸
عبدالمجید	۰	۰	۰	۱۰
بزوئشک	۰	۰	۰	۰
بررود	۰	۰	۰	۰
ابرش	۱۳/۳	۰	۰	۶/۷
زیارت	۰	۰	۰	۰
تکروک سفلی	۲۰	۰	۰	۱۰
حسین آباد گزبند	۸/۳	۰	۱۶/۷	۲۵
ماشوله	۰	۰	۸/۳	۸/۳
بیاروند	۸/۳	۰	۸/۳	۸/۳
ناربند	۰	۰	۸/۳	۸/۳
کلاته قاضی	۰	۰	۰	۰
کلاته منار	۶/۳	۶/۳	۲۵	۱۲/۵
دهنه چهل	۷/۷	۷/۷	۷/۷	۰
بوته گز	۰	۰	۰	۰
بوته مرده، بابانظر	۸/۳	۰	۰	۸/۳

برگرفته از: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

شعاع حمایتی زنان روستایی

شعاع حمایتی مبین آن است که تا چه حد زنان روستایی دارای سرپرست مهاجر، فراتر از اعضاء خانواده‌ی خود، با گروه‌های مختلف اجتماعی (نظیر خویشاوندان، همسایگان، دوستان، آشنایان، همکاران، شورای روستا، خیرین و...) در ارتباط بوده و حمایت دریافت می‌کنند. شعاع حمایتی شامل شعاع حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی است.

"حمایت‌های درون‌گروهی: این حمایت‌ها در شبکه‌هایی یافت می‌شوند که همگون‌اند و پیوندهای قومی و صمیمی دارند (Firazabadi & Sadeghi, 2010: 7; quoted in Woolcock, 2002: 10). حمایت درون‌گروهی شامل حمایت‌های عاطفی (محبت، اعتماد، همدلی، ...)، حمایت‌های ابزاری (هرگونه کمک مستقیم نقدی و غیرنقدی مانند قرض دادن، وقت گذاشتن، مراقبت از بیمار و...) و حمایت‌های اطلاعاتی (دریافت مشورت و راهنمایی)، بوده و در سه سطح تجربی خویشاوندان، همسایگان و دوستان موردسنجش قرار گرفته است.

حمایت‌های بین‌گروهی: این حمایت‌ها در شبکه‌هایی یافت می‌شوند که ناهمگون‌اند، پیوندهای ضعیف دارند و روابط بیرون از پیوندهای نزدیک و قوی (ارتباط آشنایان) را شامل می‌شوند (Firazabadi et al., 2010: 7). حمایت‌های مذکور فراتر از نیازهای روزمره بوده و با حمایت‌های مرتبط با پیشرفت و تحرک (نظیر دسترسی به فرصت شغلی، دریافت وام، داشتن آشنا در سازمان‌های دولتی و ...) سنجیده شده است" (Firazabadi et al., 2010: 7-8).

با توجه به جدول زیر مقایسه منابع حمایتی سه‌گانه، مشخص می‌کند که در میان سه نوع حمایت، بیشترین حمایت عاطفی زنان از سوی اعضای مونث خانواده (معادل مادر و خواهر) و نزدیکان مونث مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه صورت می‌گیرد. در

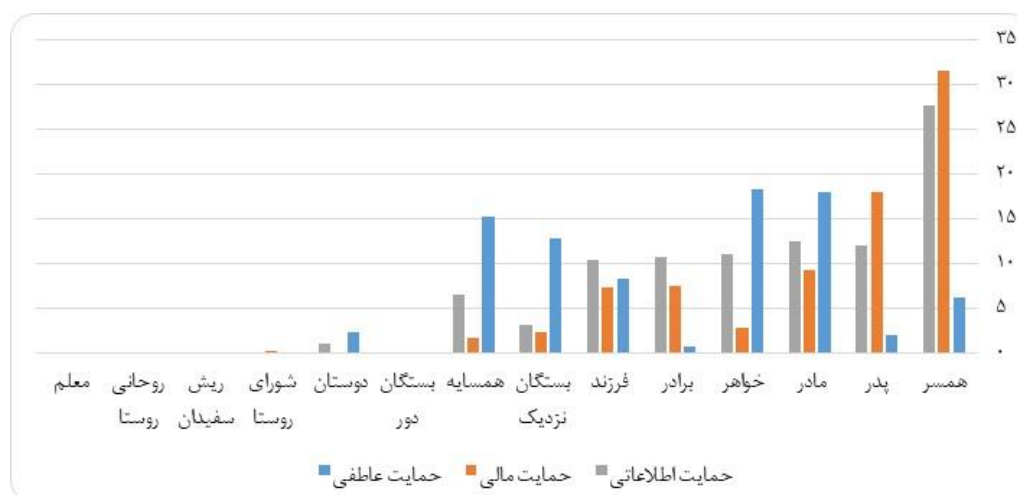
رتبه‌های نخست نبودن حمایت مالی همسران می‌تواند به این خاطر باشد که معمولاً همسران این زنان به دلیل شرایط مهاجرتشان نسبت به دیگران از حضور کم‌رنگ‌تری در خانه برخوردارند و این امر موجب پررنگ‌تر شدن حمایت‌های عاطفی از سوی دیگر گزینه‌ها شده است.

در مواجهه با مشکلات مالی، زنان، همسر و پدر به ترتیب از بالاترین حمایت‌کنندگان مالی می‌باشند و این بدان معناست که زنان در هنگام مواجهه با مشکلات مالی افراد کمتری را برای کمک می‌شناسند. در مورد حمایت‌های اطلاعاتی و مشورتی نیز بیشترین حمایت‌کنندگان به ترتیب؛ همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می‌باشند، که این نوع انتخاب بیانگر در اولویت بودن افراد اصلی خانواده زنان می‌باشد (جدول ۹) و (شکل ۶).

جدول ۹. توزیع فراوانی حمایت شونده‌گان در شعاع حمایت عاطفی، مالی و اطلاعاتی به درصد

دایره حمایتی	حامی	حمایت عاطفی		حمایت مالی		حمایت اطلاعاتی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
درون گروهی	همسر	۱۸	۶/۲	۹۱	۳۱/۵	۸۰	۲۷/۷
	پدر	۶	۲/۱	۵۲	۱۸	۳۵	۱۲/۱
	مادر	۵۲	۱۸	۲۷	۹/۳	۳۶	۱۲/۵
	خواهر	۵۳	۱۸/۳	۸	۲/۸	۳۲	۱۱/۱
	برادر	۲	۰/۷	۲۲	۷/۶	۳۱	۱۰/۷
	فرزند	۲۴	۸/۳	۲۱	۷/۳	۳۰	۱۰/۴
	بستگان نزدیک	۳۷	۱۲/۸	۷	۲/۴	۹	۳/۱
برون گروهی	همسایه	۴۴	۱۵/۲	۵	۱/۷	۱۹	۶/۶
	بستگان دور	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	دوستان	۷	۲/۴	۰	۰	۳	۱
	شورای روستا	۰	۰	۱	۰/۳	۰	۰
	ریش سفیدان	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	روحانی روستا	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	معلم	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	کسی را ندارم	۴۶	۱۵/۹	۰	۰	۱۴	۴/۸
	روستا	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	شورای روستا	۰	۰	۰	۰	۰	۰

برگرفته از: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۶. شعاع حمایت عاطفی مالی و اطلاعاتی زنان روستایی دارای سرپرست خانوار مهاجر

بحث و نتیجه گیری

براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در ایران، زنان با بیش از ده میلیون نفر جمعیت از ساکنین اصلی روستاها محسوب می‌شوند. در چهار استان ایران نسبت جنسی در مناطق روستایی پایین‌تر از صد و در ده استان این نسبت کمتر از میانگین کشوری است. این بدان معناست که در ایران همانند بسیاری از کشورهای آسیایی علاوه بر مهاجرت خانوارهای روستایی به شهر، پدیده مهاجرت انفرادی مردان به صورت قطعی یا فصلی نیز وجود دارد. در ایران روند کاهش جمعیت روستایی که از دهه چهل آغاز شد، همچنان ادامه دارد، چنانکه در حال حاضر حدود ۳۰ درصد جمعیت در مناطق روستایی و حدود ۷۰ درصد آن در مناطق شهری زندگی می‌کنند. در سال‌های اخیر این تحولات جمعیتی با تغییراتی در ساختار سنی و جنسی جمعیت شهری و روستایی نیز همراه بوده است، به طوری که بیشتر افراد در سنین فعالیت روستاها را ترک می‌کنند و افراد سالمند و کودکان در مناطق روستایی باقی می‌مانند. همچنین مردان بیشتر از زنان روستاها را ترک کرده و در جستجوی کار و کسب درآمد به شهرها مهاجرت می‌کنند.

مشاهدات پژوهشگران و گزارش‌ها حاکی از آن است که در دو فصل بهار و تابستان که مهاجرت‌های فصلی افزایش می‌یابد، در بعضی از مناطق تا ۵۰ درصد خانوارهای روستایی با سرپرستی و مدیریت زنان فعالیت‌های کشاورزی دارند. در این زمان حتی فعالیت‌های سنگین کشاورزی مانند آماده کردن زمین، انبار کردن و سایر اموری که به طور معمول توسط مردان انجام می‌شود به علت عدم حضور مردان در روستا توسط زنان و دختران صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی نقش زنان به عنوان ساکنین پایدار و اصلی مناطق روستایی اهمیت بیشتری می‌یابد.

با توجه بر یافته‌های پژوهش از مجموع زنان مورد بررسی ۵۶ زن معادل ۱۹/۴ درصد هیچ مالکیت رسمی بر اموال و دارایی‌های خانوار ندارند. تنها ۵/۵ درصد زنان مالک مسکن، ۱ درصد مالک زمین زراعی، ۶/۲ درصد مالک دام سبک خانواده خود بوده‌اند. همچنین هیچ‌یک زنان مورد بررسی به طور مستقل مالکیتی بر اتومبیل، موتورسیکلت، باغ و دام سنگین خانواده نداشته‌اند. ۷۱/۳ درصد زنان مورد بررسی عمده‌ترین دارایی خود را طلاهای زینتی مورد استفاده خود معرفی نموده و مالک آن هستند. در مجموع ۲۶/۶ درصد زنان روستایی اداره منابع تولیدی خانوار و ۴۰/۱ درصد زنان اداره امور منزل را در زمان غیبت مرد برعهده دارند. بیشترین حمایت عاطفی زنان دارای سرپرست خانوار مهاجر مادر و خواهر و نزدیکان مونث مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه بوده است. در مواجهه با مشکلات مالی، زنان دارای سرپرست مهاجر عمدتاً توسط همسر و پدر حمایت می‌شوند. همچنین مهم‌ترین حمایت‌کنندگان اطلاعاتی و مشورتی زنان دارای سرپرست مهاجر به ترتیب: همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می‌باشند. نتایج نشان داد فضای سنتی مردانه روستا، همچنان کنترل و مالکیت مردان را بر منابع تولید و دارایی‌های خانوار، علیرغم غیبت آنان از روستا تداوم بخشیده است. مقایسه منابع حمایتی مشخص می‌کند که در میان سه نوع حمایت، بیشترین حمایت عاطفی زنان از سوی اعضای مونث خانواده (معادل مادر و خواهر) و نزدیکان مونث مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه صورت می‌گیرد. در مواجهه با مشکلات مالی، زنان، همسر و پدر به ترتیب از بالاترین حمایت‌کنندگان مالی می‌باشند. در مورد حمایت‌های اطلاعاتی و مشورتی نیز حمایت‌کنندگان اصلی به ترتیب: همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می‌باشند.

بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که مالکیت با شاخص‌های عاملیت و قدرت تصمیم‌گیری مرتبط است. بی‌شک مالکیت، دسترسی و کنترل بر دارایی‌ها می‌تواند زنان را برای مشارکت بهتر در فرآیندهای تصمیم‌گیری هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه توانمند کند، اگر زنان به منابع دسترسی و کنترل داشته باشند و همچنین در برنامه‌هایی که برای آنها طراحی شده است مشارکت فعال داشته باشند، می‌توان گفت که از نظر اقتصادی توانمند هستند. در این راستا سیاست‌گذاران باید با طراحی سیاست‌های مطلوب که به دسترسی به منابع کمک می‌کند، زنان را توانمند سازند. این مقاله گام مهمی به سوی درک بهتر شکاف‌های جنسیتی در مالکیت دارایی‌های زنان روستایی است و یاری‌گر تلاش‌های تحلیلی آینده است.

حامی مالی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان

در پژوهش مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد است،

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

نویسندگان، از همه افراد، به دلیل مشاوره و راهنمایی علمی و مشارکتشان در این مقاله تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

- Abbott, P., & Wallace, C. (2008). *Sociology of women*. Translated by Manije Najm Iraqi. Tehran: Ney.
- Aderinoye-Abdulwahab, S. A., Dolapo, A. T., Matanmi, B. M., & Adisa, R. S. (2016). Ownership of productive resources: a panacea for empowering rural women in Kwara state, Nigeria. *J Prod Agric Technol*, 12(1), 17-26.
- Ajadi, A. A., Oladele, O. I., Ikegami, K., & Tsuruta, T. (2015). Rural women's farmers' access to productive resources: the moderating effect of culture among Nupe and Yoruba in Nigeria. *Agriculture & Food Security*, 4, 1-9.
- Alipour, K. (2012). An analysis of rural-urban relations and the motivation of migration in Iran. The fourth largest global scientific conference for students of geography. In April 2012, (pp12-1). Iran: Tehran. (in Persian)
- Alirezanejad, S., & Bani Hashem, F. (2012). Gender and Development: A look at the demographic changes in rural areas of the country, *Iranian Journal of Social Studies* 4(2), 93-81. (in Persian)
- Azkia, M., & Imani, A. (2008). *Sustainable Rural Development* (Vol. Second Edition). Tehran: Information Publications. (in Persian)
- Behera, B. K., Prasad, R., & Behera, S. (2022). *Healthcare Strategies and Planning for Social Inclusion and Development: Volume 2: Social, Economic, and Health Disparities of Rural Women*. Academic Press.
- Cohen, M. J. (Ed.). (2023). *Advances in food security and sustainability*. Elsevier.
- Dwomoh, D., Agyabeng, K., Tuffour, H. O., Tetteh, A., Godi, A., & Aryeetey, R. (2023). Modeling inequality in access to agricultural productive resources and socioeconomic determinants of household food security in Ghana: a cross-sectional study. *Agricultural and Food Economics*, 11(1), 24.
- Effati, M. (2003). Seasonal migration of rural women and men with an emphasis on social outcomes, *Cultural, cultural research, the seventh year* (6): pp. 292-245. (In Persian).
- Firuzabadi, S. A., & Sadeghi, A. (2010). Social Exclusion of Women in Poor Rural Areas of Iran: The Case of Malard Villages in Shahryar, Tehran Province. *Journal of Social Problems of Iran*, 1(1), (in Persian).
- Gaddis, I., Lahoti, R. S., & Li, W. (2018). Gender gaps in property ownership in Sub-Saharan Africa. *World Bank Policy Research Working Paper*, (8573).
- Javan, J. (2011). *Population geography of Iran*. Mashhad: Academic Jihad. (In Persian).
- Khani, F., & chubchian, S. (2012). Gender relations in Rural Spaces and its Effects on Women's participation, a Comparative Study on Moreedan Rural District of Langerud City in Gilan Province and Rural District of Hooly from Paveh city in Kermanshah Province. *Journal of Rural Research*, 3(11), 113-137. (In Persian).
- Mashhadizadeh Dehaqani, N. (1995). *An analysis of urban planning characteristics in Iran*. Tehran: University of Science and Technology. (In Persian).
- Moghimizadeh, A., Akbari, A., & Servant, F. (2013). Effects of immigration and urbanization on economic development. In the first national conference on sustainable development of agriculture and a healthy environment. March 2011. pp. 1-9. (In Persian).
- Mokati, J. T. W., Ncube, A., & Bahta, Y. T. (2024). Is it really feminization of agriculture? The issue of household food security in Lesotho's southern Lowland District. *Journal of Asian and African Studies*, 59(2), 411-424.

- Naqhdhi, A., & Rezaee, T. (2014). Study of Attitude and Social Behaviors of Marginalized Women in Ilam City (Case study: Bānbarz, Bānbūr, and Sabzi Ābād neighborhoods). *A scientific journal of ilam culture*, 15(42, 43), 103-119. (in Persian)
- Oladokun, Y. O. M., & Adenegan, K. O. (2019). Asset Ownership and Welfare Deprivation of Women in rural Nigeria: A bi-causal relationship. *Journal of Economics, Management and Trade*, 1-16.
- Pradhan, R., Meinzen-Dick, R., & Theis, S. (2019). Property rights, intersectionality, and women's empowerment in Nepal. *Journal of Rural Studies*, 70, 26-35.
- Pradhan, R., Meinzen-Dick, R., & Theis, S. (2019). Property rights, intersectionality, and women's empowerment in Nepal. *Journal of Rural Studies*, 70, 26-35.
- Sexsmith, K. (2017). Exit, voice, constrained loyalty, and entrapment: migrant farmworkers and the expression of discontent on New York dairy farms. In *Building Citizenship from Below* (pp. 35-49). Routledge.
- Shiri, M. (2021). Women's Land Ownership, the Engine for Rural Women Empowerment and Agricultural Development in Sub-Saharan Africa, This project is part of the U.S. Government's global hunger and food security initiative. <https://agrilinks.org/post/womens-land-ownership-engine-rural-women-empowerment-and-agricultural-development-sub-saharan>
- Statistical Center of Iran, General Census of Population and Housing, Personal settlements, (2013). <https://www.amar.org.ir/> (in Persian).
- Statistical Center of Iran, Khorasan Razavi Statistical Yearbook, (2013). <https://www.amar.org.ir/> (in Persian).
- Taleb, M., Firouz Abadi, A., & Piri, S. (2011). Studying the Problem of Poverty from the Standpoint of Rural Women and Girls (Case study: Gonbad Pirmohammad village-Ilam Province). *Woman in Development & Politics*, 9(2), 135-153. (In Persian).
- Woolcock, M. (2002). Social capital and development: concepts, evidence, and applications. In Powerpoint presentation, Workshop on understanding and building social capital in Croatia, Zagreb, Yugoslavia. World Bank and. Harvard University.